


پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
(از ص ۱۹۵ تا ص ۲۱۴)

 10.22059/jlcr.2019.281234.1253  
Print ISSN: 2382-9850--Online ISSN:2676-7627  
<http://jlcr.ut.ac.ir>

## «حاجی آقا» نوشته صادق هدایت، اثری فراسوی گفتمان‌های سیاسی

شیرزاد طایفی<sup>۱</sup>

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

نعمت‌الله ایران‌زاده

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

عنایت‌الله دارائی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۲/۲۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۱/۱

### چکیده

صادق هدایت، رمان «حاجی آقا» (۱۳۲۴) را بر پایه رویدادهای تاریخی- سیاسی اواخر حکومت رضاشاه و اوایل حکومت محمدرضاشاه، به فاصله زمانی اندکی نسبت به آن‌ها نوشته است. برای اینکه بدانیم این رمان با تأثیرپذیری از کدام گفتمان یا گفتمان‌های سیاسی نوشته شده است، با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی (بر پایه اندیشه‌های روث وداک، جیمز پُل جی و نورمن فرکلانف)، آن را بررسی کرده‌ایم و دیدگاه نویسنده‌اش را نسبت به گفتمان‌های سیاسی آن دوره کاویده‌ایم. می‌توان این رمان را از نظر سیاسی، اثری فراگفتمانی، غیرگفتمانی یا غیرایدئولوژیک دانست که در آن، همه گفتمان‌های سیاسی، مانند حکومت پادشاهی، ناسیونالیسم، فاشیسم، مدرنیسم، غرب‌گرایی، سکولاریسم، سنت‌گرایی، دین‌گرایی، چپ‌گرایی (مارکسیسم و کمونیسم)، لیبرالیسم، دموکراسی و مشروطه‌خواهی و غیره مورد نقد و خشم نویسنده واقع گردیده است. ایدئولوژی‌های سیاسی برای تأمین منافع طرفداران و مبلغان آن‌ها به کار گرفته می‌شوند. هدایت، دگرگونی‌های تاریخی و سیاسی فراوانی را از دوره مشروطه تا روی کار آمدن رضاشاه و محمدرضاشاه، از سر گذرانده است و رنگارنگی و گونه‌گونی سیاستمداران، حاکمان و سودجویان را دیده است. او این رویدادها را با طنزی خشنماک درآمیخته، رمانی سیاسی پدید آورده است. بدون آگاهی از رویدادها و جریان‌های سیاسی دوره نویسنده و گرایش‌های سیاسی او، شناخت درستی از رمان به دست نمی‌آید.

**واژه‌های کلیدی:** صادق هدایت، حاجی آقا، گفتمان سیاسی، تحلیل گفتمان انتقادی، رمان سیاسی.

## ۱. مقدمه

از میان گونه‌های ادبی، رمان پیوند تنگاتنگی با واقعیت و به تبع آن، با سیاست و گفتمان‌های سیاسی دارد. «عامل اصلی پیوند میان ادبیات و سیاست، مفهوم گسترده‌ی ایدئولوژی است و نفوذ آگاهانه و یا ناخودآگاهانه آن در انسان، برای اتخاذ مضامین و شیوه‌های نگرش او به جهان» (گودزی، ۱۳۸۶: ۱۰). یکی از گونه‌های رمان که ارتباط بیشتری با سیاست دارد، رمان سیاسی (Political Novel) است. رمان سیاسی، رمانی است که با مضامین، مسائل، رویدادها، دگرگونی‌ها، هویت‌ها، ایدئولوژی‌ها، گرایش‌ها و گفتمان‌های سیاسی پیوند خورده‌است. در این پژوهش برآنیم که موارد یادشده را در حاجی آقا به مثابه یک رمان سیاسی بررسی و واکاوی نماییم، تا از سویی، به شناخت کامل‌تر و همه‌جانبه‌تری از آن دست یابیم و از سوی دیگر، تأثیر بافت موقعیت تاریخی-سیاسی بر ساخت اثر را نشان دهیم. پرسش‌های پژوهش بدین گونه قابل طرح هستند:

۱. در رمان حاجی آقا، کدام مضامین، مسائل و رویدادهای سیاسی برجسته شده‌است؟

۲. کدام هویت‌های اجتماعی-سیاسی در رمان حاجی آقا ساخته شده‌است؟

۳. چه ایدئولوژی‌ها، گرایش‌ها و گفتمان‌های سیاسی‌ای در این رمان وجود دارد؟

این پژوهش، از گونه پژوهش‌های اکتشافی است. از این رو، در پی اثبات یا رد فرضیه خاصی نیست.

## ۲. روش پژوهش

در این پژوهش، از نظریه و روش «تحلیل گفتمان انتقادی» (Critical Discourse Analysis) بهره می‌گیریم. «اینکه چگونه روابط اجتماعی، هویت، دانش و قدرت از طریق متون نوشتاری و گفتاری ایجاد می‌شود... از مباحث اصلی تحلیل انتقادی گفتمان به شمار می‌آیند» (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۶). در میان رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان انتقادی، می‌توان پنج ویژگی مشترک یافت: ۱. فرایندها و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی تا حدودی خصلت زبانی-گفتمانی دارند. ۲. گفتمان هم‌سازنده و هم‌ساخته‌شده است. ۳. کاربرد زبان باید به نحو تجربی و درون بستر اجتماعی خودش تحلیل شود. ۴. گفتمان، کارکردی ایدئولوژیک دارد. ۵. تحقیق انتقادی: به لحاظ سیاسی متعهد به تغییر است و با عنوان یک رهایی‌بخش جانب گروه‌های اجتماعی ستم‌دیده را می‌گیرد (رک: یورگسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۱۵). روش ما در این پژوهش، با بهره‌گیری از نظرهای مهرآیین (مهرآیین، ۱۳۹۲ و همان، ۱۳۹۶)، آمیزشی از اندیشه‌ها و روش‌های سه نظریه‌پرداز برجسته در حوزه تحلیل گفتمان است؛ یعنی جیمز پُل جی (James Paul Gee)، نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) و روث وداک (Ruth Wodak).

### ۳. معرفی صاحبان نظریه

#### ۱-۳. جیمز پُل جی

از نگاه جی، زبان کارکردهای بسیاری در زندگی ما دارد. ما با کاربرد آن چیزی می‌گوییم (انتقال اطلاعات) کاری می‌کنیم (کنش زبانی) و هویت‌هایی برای خود و دیگران می‌سازیم (Gee, 2011: 2). از دید او، هر گونه تحلیل گفتمانی باید انتقادی باشد، نه به این دلیل که تحلیلگران گفتمان، سیاسی هستند یا باید سیاسی باشند، بلکه به این دلیل که خودِ زبان، سیاسی است (Ibid: 9). جی معتقد است که ما به وسیلهٔ زبان، هفت چیز یا هفت سطح از واقعیت را برمی‌سازیم. بنابراین، یک تحلیلگر گفتمان می‌تواند هفت پرسش گوناگون دربارهٔ هر بخش از زبان مطرح کند (Ibid: 17). این پرسش‌ها دربارهٔ موارد ذیل هستند: ۱. اهمیت و برجسته‌سازی (Significance). ۲. پرکتیس‌ها (کنش‌ها) (Practices). ۳. هویت‌ها (Identities). ۴. روابط [میان انسان‌ها] (Relationships). ۵. سیاست (تقسیم خیرها و منافع اجتماعی) (Politics the distribution of social goods). ۶. پیوندها [بین اشیاء] (Connections). ۷. نظام‌های نشانه‌ای و دانش (معرفت) (Sign Systems and Knowledge). (Ibid: 17- 19).

#### ۲-۳. نورمن فرکلاف

فرکلاف از سه مرحله یا بُعد برای تحلیل گفتمان یاد می‌کند: ۱. توصیف (Description): بررسی ویژگی‌های متن در سه سطح واژگان، دستور و ساخت. ۲. تفسیر (Interpretation): بررسی پیوند گفتمان موجود در متن با گفتمان‌های دیگر. ۳. تبیین (Explanation): مطالعهٔ عوامل و بستر اجتماعی ایجاد گفتمان. در این پژوهش، از مرحلهٔ دوم روش فرکلاف (تفسیر) استفاده می‌کنیم. مرحلهٔ تفسیر با بینامتنیت پیوند دارد. ما با کمک دانش تاریخی و دانش متنی، ارتباط میان گفتمان موجود در متن با دیگر گفتمان‌ها را مشخص می‌سازیم (ر.ک: مهرآیین، ۱۳۹۶: ۵۰). فرکلاف می‌گوید: «گفتمان‌ها و متون آن‌ها خود دارای تاریخ هستند و متعلق به مجموعه‌های تاریخی می‌باشند و تفسیر بافت بینامتنی به این موضوع بستگی دارد که متن را متعلق به کدام مجموعه بدانیم» (فرکلاف، ۱۳۸۹: ۲۳۰). از نگاه او، گفتمان به برساختن هویت اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و معنا کمک می‌کند. در اینجا، فرکلاف از رویکرد چندکارکردی هالییدی به زبان کمک گرفته‌است (ر.ک: یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۱۹).

#### ۳-۳. روث وداک

«نظریهٔ پُل جی و فرکلاف، هر دو در توصیف ساختار حاکم بر قطعات زبانی بسیار کارآمد هستند. با این حال، نظریهٔ روث وداک با پُر کردن خلأهای این دو نظریه، ما را با وجوه

دیگری از تحلیل گفتمان آشنا می‌کند. روث وداک به تأسی از پیر بوردیو، جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی، در نظریه گفتمان خود به هر صورت‌بندی زبانی به عنوان یک میدان زبانی (Field) می‌نگرد که خود مرکب از چندین یا کارکرد (Function) است. وداک معتقد بود که «در هر میدان زبانی از قبیل خانواده، سیاست، روشنفکری و... نیازمند سخن گفتن درباره موضوعات مختلف هستیم که فونکسیون یا کارکرد خاصی را از زبان انتظار می‌کشند» (مهرآیین، ۱۳۹۲: ۲۲).

ما بر اساس نظریه وداک، بخش‌ها یا کارکردهای گوناگون رمان را مشخص و ذیل هر بخش، پرسش‌های هفتگانه جی را مطرح می‌کنیم، سپس بر پایه نظریه فرکلاف، رمان را تفسیر می‌کنیم.

#### ۴. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌هایی درباره حاجی‌آقا انجام شده که اختلاف پژوهش ما با آن‌ها در روش تحلیل و نیز نتایج برآمده از آن‌هاست. این پژوهش‌ها عبارتند از:

۱. کاتوزیان این رمان را در دو اثر ارزشمند خود (ر.ک؛ کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۲۱-۲۴۸ و همان، ۱۳۹۵: ۲۰۵-۲۲۳) بررسی نموده‌است که متن آن‌ها یکسانی‌هایی نیز دارد. او ضمن ارائه اطلاعات مفید تاریخی درباره بخش‌هایی از رمان و نقد برخی از گفته‌های منتقدان این اثر، برخی از همانندی‌های شخصیت‌های رمان، به‌ویژه حاجی‌آقا، با اشخاص واقعی را نشان داده‌است. این آثار با وجود سودمندی خود، از نظر روش پژوهش و فراگیری با پژوهش ما متفاوت هستند.

۲. مصباحی‌پور ایرانیان (ر.ک؛ مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۱۲۶-۱۴۱) با استفاده از نظریه جامعه‌شناسی ادبیات، رمان را تحلیل و به نکته‌های ارزشمندی، اشاره کرده‌است. به نظر او، هدایت آن را متأثر از حزب توده نوشته‌است، در حالی که چنین نیست، چون مرام اشتراکی در این رمان مورد نقد قرار گرفته‌است.

۳. هادوی و تسلیمی (ر.ک؛ هادوی و تسلیمی، ۱۳۹۱) ادعا می‌کنند که بر اساس اندیشه‌های لوکاج به تحلیل اثر پرداخته‌اند، ولی در عمل، بیشتر بخش اصلی این مقاله، شامل نقل‌قول‌هایی از کتاب مصباحی‌پور ایرانیان (۱۳۵۸) است.

۴. بهیان (ر.ک؛ بهیان، ۱۳۸۸) بدون هیچ گونه روشی، و تنها با اشاره به اندیشه‌های فوکو رمان را نقد کرده‌است و بدون استدلال مقنع و ارجاعات سیاسی و تاریخی دقیق، آن را متأثر از گفتمان چپ و حزب توده دانسته‌است، در صورتی که این گونه نیست. او فقط شخصیت حاجی‌آقا را بررسی کرده و او را نمونه نوعی بورژوازی ملی دانسته‌است.

## ۵. معرفی اثر

صادق هدایت *حاجی آقا* را با نام مستعار هادی صداقت در سال ۱۳۲۴ نوشت و نخست به صورت پاورقی در «مجله سخن» به چاپ رساند. انتشارات امیرکبیر در تهران به سال ۱۳۲۵ آن را به صورت کتاب منتشر ساخت که ما از چاپ دوم آن (ر.ک: هدایت، ۱۳۳۰) استفاده کرده‌ایم.

## ۶. فشردهٔ رمان

رمان *حاجی آقا* داستان طنزآمیز زندگی پیرمردی ۸۹ ساله، به نام «حاجی ابوتراب» (معروف به «حاجی آقا») است که البته وانمود می‌کند به مکه رفته‌است! پدرش (حاج فیض‌الله) دکان تنباکوفروشی داشته که با سوءاستفاده از سال قحطی و پس از آن، جریان تحریم تنباکو به ثروت فراوانی دست یافته است. با مرگ او، همهٔ دارایی و عنوانش (حاجی)، به حاجی آقا می‌رسد. او دکان تنباکوفروشی را به هم زده‌است و اکنون چند دستگاه اتوبوس، سه دستگاه حمام، چند باب خانه، چندین دکان و کلی املاک و مستغلات دارد. همچنین، وی تاجر و سهام‌دار کارخانهٔ کشفافی و پارچه‌بافی است. حاجی آقا ساکن تهران است، چندین زن دائمی و صیغه‌ای، و نوکری به نام «مراد» دارد. از پس هشت دختر، صاحب دو پسر (آقا کوچک و کیومرث) شده‌است. او بیشتر اوقات در هشتی خانه‌اش با سیاستمداران، صاحبان سرمایه و قدرت و نیز هر کسی که سودی برای او دارد، مشغول زدوبند و کارچاق‌کنی است. تا پیش از اشغال ایران در شهریور ۱۳۳۰، او طرفدار آلمان و رضاشاه است، اما پس از آن، مخالف رضاشاه و طرفدار دموکراسی و آزادی می‌شود و متفقین را ستایش می‌کند، هرچند هنوز هم در درون، هواخواه آلمان هیتلری است. او پس از اشغال ایران به اصفهان می‌گریزد، ولی زمانی که اوضاع تهران آرام می‌شود، مانند دوستانش به تهران برمی‌گردد و نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی می‌شود. از نظر سیاسی، پُست و مقامی ندارد، ولی بسیار صاحب‌نفوذ است. در آغاز حکومت محمدرضاشاه، با توجه به برنامهٔ دستگاه حاکم مبنی بر تحکیم قدرت و جلوگیری از پیشرفت مخالفان، او و همدستانش می‌کوشند به نکوهش رضاشاه و تشویق مردم به مذهب و تحمیق آنان بپردازند. افراد چاپلوس سودجویی دور او جمع شده‌اند و او را تحسین می‌کنند. در این میان، دو نفر مخالف او هستند: «خیزران نژاد» که روزنامه‌نگار است و «منادی‌الحق» که شاعر است. بخش پایانی رمان به رؤیای حاجی آقا هنگام بی‌هوشی در بیمارستان اختصاص یافته‌است.

## ۷. تحلیل گفتمان اثر

در اینجا، نخست کارکردها و بخش‌های اصلی رمان را مشخص می‌کنیم و ذیل هر بخش، هفت پرسش جیمز پُل جی را پاسخ می‌دهیم و آنگاه رمان را تفسیر می‌نماییم.

## ۱-۷. کارکردها (Functions) و بخش‌های اصلی رمان

رمان حاجی آقا چهار قسمت دارد. زمان دو قسمت نخست به پیش از اشغال ایران از سوی متفقین در جنگ جهانی دوم (شهریور ۱۳۲۰) و زمان دو قسمت دیگر به پس از آن برمی‌گردد. بنابراین، رمان در بر گیرنده دو بخش است: الف) رویدادهای رمان پیش از اشغال ایران از سوی متفقین. ب) رویدادهای رمان پس از اشغال ایران از سوی متفقین.

### ۱-۱-۷. رویدادهای رمان پیش از اشغال ایران از سوی متفقین

۱. در بخش نخست رمان، درباره چه ابعادی از واقعیت (سیاسی) برجسته‌سازی صورت گرفته است؟

در این بخش، رویدادها و واقعیت‌های تاریخی-سیاسی گوناگونی برجسته شده است؛ مانند جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، جنگ جهانی دوم و برنامه‌های رضاشاه (تخته‌قاپو کردن ایلات، دیوان‌سالاری، عرفی‌سازی، کشف حجاب، ملی‌گرایی، ساخت راه‌آهن و غیره). همچنین، به اشخاص مشهور عصر قاجار و جنبش تنباکو اشاره شده است: «میرزای شیرازی تنباکو را تحریم کرد... ملاً عبدالله واعظ غلیان [قلیان] کشید» (هدایت، ۱۳۳۰: ۴۸). عبدالله واعظ - سید عبدالله بهبهانی - مجتهد معروف تهران «با اقدام میرزا حسن شیرازی به مخالفت برخاست و... در مسجد و در حضور مردم قلیان کشید» (فوران، ۱۳۹۲: ۲۵۷). به ملی‌گرایی و اسکان عشایر نیز اشاره شده است: «سرهنگ بلندپرواز... کنفرانسی راجع به «غرور ملی»... دادند... سرهنگ رؤسای ایلات را... کشته و ایلات را تخت‌قاپو کرده» (هدایت، ۱۳۳۰: ۳۴-۳۵). حاجی آقا درباره کشف حجاب می‌گوید: «زن‌ها چادر هم نمی‌خواهند سرشان بکنند» (همان: ۶۵)؛ درباره تغییر لباس می‌گوید: «اول کسی که کلاه پهلوی سرش گذاشت، من بودم» (همان: ۶۴). به جنگ جهانی دوم اشاره می‌شود (ر.ک: همان: ۳۹). حاجی آقا طبق سیاست دوران رضاشاه، طرفدار آلمان و مخالف شوروی است (ر.ک: همان: ۴۰-۴۱). به اشغال ایران از سوی متفقین نیز اشاره شده است: «قضایای سوم شهریور که پیش آمد...» (همان: ۶۷).

رضاشاه خانواده‌های اشرافی را وادار به فروش زمین‌های خود به قیمت ارزان کرد و برخی دیگر را محروم نمود (ر.ک: آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۸۷). حاجی آقا می‌گوید: «از روی کمال رضا و رغبت [زمینی که در مازندران] داشتیم... تقدیم خاک پای همایونی کردم» (هدایت، ۱۳۳۰: ۳۲-۳۳). البته بعداً می‌گوید: «املاک منو تو مازندران به یک قران مصالحه کردند و مجبورم کردند قباله‌اش را بیرم تقدیم خاک پای رضاخان بکنم!» (همان: ۷۰).

### ۲. در بخش نخست رمان، کدام هویت‌های اجتماعی و سیاسی ساخته شده‌اند؟

«پدر حاجی آقا» (فیض‌الله)، دکان تنباکوفروشی داشت، ولی از طریق مال حرام و احتکار

تنباکو، زمین‌های زیادی را خرید (ر.ک؛ همان: ۴۸): «همین سود پایه طبقه‌گریزی اوست؛ بدین ترتیب که یک تنباکوفروش کوچک بدل به یک بازرگان و زمین‌دار بزرگ می‌شود» (مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۱۳۲).

«حاجی‌آقا» نسبت به پدرش یک طبقه پیشرفت می‌کند و جزو طبقه اعیان و اشراف قرار می‌گیرد. از این رو، او گذشته پدرش را انکار می‌کند (ر.ک؛ هدایت، ۱۳۳۰: ۱۲-۱۳). حاجی‌آقا در هشتی‌خانه‌اش «مشغول دیدوبازدید و کارچاق‌کنی» با «اعیان، اشراف و رئیس‌الوزراء» و یا حتی افراد معمولی بود (ر.ک؛ همان: ۴۶-۴۷). وی «در سیاست هم همیشه دخالت می‌کرد، وکیل و وزیر می‌تراشید و خودش هم کباده ریاست وزرا را می‌کشید» (همان: ۴۹) و «مثل عقاید سیاسی‌اش، به آن دنیا هم اعتقاد محکمی نداشت» (همان: ۵۸)؛ او با دربار رضاشاه در ارتباط است و همیشه او را ستایش می‌کند (همان: ۳۱).

- «آقا کوچک» پسر بزرگ حاجی‌آقا و عرق‌خور، قمارباز، هرزه و غرب‌زده است، چون اتومبیل پدرش را به یک درخت زده، از ارث محروم است، ولی «به علت آراستگی سر و وضع... به‌عنوان شوهر دربار مفتخر» می‌شود (ر.ک؛ همان: ۵۴).

- کیومرث، پسر کوچک‌تر و محبوب حاجی‌آقا، شانزده سال دارد و مدرسه می‌رود (ر.ک؛ همان: ۲۴ و ۵۳).

- زنان حاجی‌آقا که شامل «شش زن طلاق‌گرفته و چهار زن که سرشان را خورده بود و هفت زن دیگر که در قید حیات بودند» (همان: ۵۲)، نقش چندانی در رویدادها ندارند. برخی از آنان، تنها نامشان برده می‌شود؛ مانند زبیده، ننه ام‌البنین و انیس‌آغا. به برخی دیگر، فقط اشاره می‌شود: «یکی سر زارفت، یکی از پشت‌بام پرت شد» (همان: ۵۲). آنان به‌شدت منفعل، مظلوم، سنتی، تحت مراقبت سخت‌گیرانه همسر و دور از اجتماع و سیاست هستند.

- حجت‌الشریعه، در هر زمینه‌ای پیشکار حاجی‌آقاست (ر.ک؛ همان). او نماینده روحانیون وابسته به قدرت است.

- میمنت‌نژاد، مالک کارخانه کشفافی است که کلاه سر حاجی‌آقا- سهام‌دار آن- می‌گذارد (ر.ک؛ همان: ۲۱-۲۴). وی نماینده سرمایه‌داری است. چندین شخصیت بلندپایه سیاسی در رمان وجود دارند که توانسته‌اند با کمک دستگاه نوین بوروکراسی و زدوبندهای ویژه آن، به مقام‌های والایی دست یابند؛ مانند «دوام‌الوزارة»، «خضوری حزقیل مشعل» و «بنده درگاه». افزون بر این، افرادی نیز وجود دارند که هر کدام به‌گونه‌ای در خدمت صاحبان قدرت‌آند و برای گذران زندگی روزمره و نیز برای رشد و ترقی، وابسته آنان هستند. این افراد نیز دو دسته‌اند: گروهی که به وضعیت کنونی خود رضایت داده‌اند و به پیشرفت جایگاه خود نمی‌اندیشند؛ مانند «احمدبیگی»، «بوزباشی» و «خلج‌پور». گروهی دیگر که

قصد طبقه‌گریزی و پیشرفت دارند و می‌خواهند از طبقه کارمند متوسط به طبقه حاکم و امثال دوام‌الوزاره بیوندند. در واقع، راهی را در پیش می‌گیرند که مقام‌های بلندپایه سیاسی قبلاً پیموده‌اند؛ مانند «سرهنگ بلندپرواز» و «مزلقانی».

### ۳. در بخش نخست رمان، رابطه‌های انسانی چگونه است؟ چه روابط اجتماعی و سیاسی خلق شده‌است؟

حاجی آقا نسبت به مراد و خانواده‌اش، رفتار خشونت‌آمیزی دارد و همه از او متنفرند، ولی با مردم بیرون از خانه به خوبی رفتار می‌کند و همه به دیده احترام به او می‌نگرند (هدایت، ۱۳۳۰: ۶۷). رابطه حاجی آقا با دیگران از گونه بده‌بستانی است. او برای کسب منافع، رابطه صمیمانه‌ای با صاحبان ثروت و مقام‌های دولتی (مانند دوام‌الوزاره) دارد. رابطه او با افراد عادی به سودشان بستگی دارد. او کارشان را راه می‌اندازد و آنان رشوه می‌دهند (یوزباشی)، اجناس قاچاق را برایش جابه‌جا می‌کنند (خلج‌پور)، یا در روزنامه‌ها او را ستایش می‌کنند (مزلقانی). در مجموع، روابط انسانی، بر پایه سود و زیان مادی شکل گرفته‌است. هرچه افراد سودمندتر، سرمایه‌دارتر و از دید سیاسی پرنفوذتر باشند، از احترام بیشتری برخوردارند. افراد قدرتمند و سیاست‌مداران مشغول زдобند هستند و بیشترین بهره را از شکاف‌های موجود در سیستم اداری کشور می‌برند.

### ۴. در بخش نخست رمان، رابطه اشیا با انسان و همچنین رابطه اشیا با اشیاء چگونه است؟

حاجی آقا از یک‌سو، با عبا و تسبیح توصیف شده‌است؛ عبا یک نشانگر دینی و مذهبی و پوشیدن آن نشان‌دهنده جدیت در امر دین است: «عبا... را از روی تخت برداشت» (هدایت، ۱۳۳۰: ۹)؛ از سوی دیگر «شراب... می‌نوشید... قمار هم می‌زد یعنی پاسور و تخته‌نرد» (همان: ۵۹). این ویژگی، بی‌قیدی و دورویی او را نشان می‌دهد. پول، تمام هم و غم حاجی آقا است: «پول را برای پول بودنش دوست داشت و می‌پرستید و تمام وسایل را برای به دست آوردن آن جایز می‌دانست» (همان: ۵۷). دکان تنباکوفروشی فیض‌الله، نشانه وابستگی او به طبقه بازاری سنتی است. حاجی آقا با کارخانه، قالی، ماشین، دکان، خانه، حمام و دیگر نشانه‌های ثروت توصیف شده‌است که کارخانه و ماشین از نشانه‌های سرمایه‌داری نوین هستند.

### ۵. در بخش نخست رمان، چه کنش‌هایی در برابر مسائل صورت گرفته‌است؟

حاجی آقا برای حفظ جایگاه خود همیشه از عملکرد حکومت و برنامه‌های رضاشاه دفاع می‌کند. او می‌گوید برای رفع اغتشاش‌ها و اعتراض‌های مردم، «چند نفر را باید کشت، چند نفر را حبس کرد» و نباید اجازه داد کسی حرفی بزند: «ما مشت آهنین می‌خواهیم»



(همان: ۳۲). کارچاق‌کنی، زدوبند، رشوه، تظاهر به دین‌داری و دانش، ارتباط با دستگاه حاکم و افراد بلندپایه و غیره، از جمله کنش‌های او برای حفظ و گسترش منافعش است. کنش‌هایی که بیشتر شخصیت‌های رمان انجام می‌دهند، عبارتند از: رشوه دادن، خدمت به صاحبان قدرت، کلاه‌برداری، سوءاستفاده از نظام دیوان‌سالاری و ... .

#### ۶. در بخش نخست رمان، سیاست به چه شکل نمود یافته‌است؟ تقسیم‌بندی خیر و شر یا خوب و بد چگونه است؟

راوی (نویسنده) زندگی یک شخص از طبقه بالای جامعه را نمایش داده‌است. این طبقه به تمام منافع اجتماعی، اعم از ثروت، رفاه، مقام، جاهت، قدرت و غیره دسترسی دارند. هدف راوی نه تنها تأیید افکار و رفتار آنان نیست، بلکه یکسره با آنان مخالف است و تمام کارهایشان را ناپسند و برای جامعه مایه زیان و شر می‌داند و آنان را شایسته قدرت و اداره کشور نمی‌بیند. اکنون با عنایت به این نکته و با توجه به پاسخ پرسش‌های پیشین، می‌توان گفت راوی موارد ذیل را شر می‌داند، در حالی که شخصیت‌های رمان، آن‌ها را خیر تلقی می‌کنند: بده‌بستان، زدوبند، رشوه گرفتن، قاچاق، پارتی‌بازی، سوءاستفاده از قدرت، تملق و چاپلوسی، هر لحظه به رنگی درآمدن، دروغ گفتن، پول‌پرستی و منفعت‌طلبی، نحوه اجرای یکجانشینی و قتل‌عام ایلات و عشایر و دیگر برنامه‌های رضاشاه. از نگاه حاجی‌آقا و سیاستمداران دوره رضاشاه، آلمان خیر است و شوروی و انگلیس و آمریکا شر هستند. البته از دید راوی (نویسنده)، هر دو گروه شر هستند.

#### ۷. در بخش نخست رمان، چه نظام معرفتی- نشانه‌شناختی وجود دارد؟

گفتمانی که شخصیت‌های رمان ذیل آن گنجانده شده‌است و فعالیت آنان بر اساس آن شکل گرفته، همان گفتمان حاکم بر جامعه است. البته اشخاصی مانند حاجی‌آقا از نظر ظاهر و برای حفظ منافع و جایگاه خود به این گفتمان علاقه نشان می‌دهند و هیچ اعتقادی در باطن خود به آن ندارند؛ مثلاً او طرفدار کشف حجاب است، ولی حاضر نیست که زنانش حتی با حجاب در اجتماع حاضر شوند، یا برخلاف گفتمان حاکم، مخالف غرب است. در واقع، او فردی سنتی است که برای کسب سود بیشتر، از گفتمان حاکم هواداری می‌کند.

گفتمان راوی در این بخش از رمان، مغایر با گفتمان حاکم، و عوامل و کارگزاران حکومت، سیاستمداران و منتقدان است. او سوءاستفاده از قدرت (سیاسی و اقتصادی)، اشخاصی که تمام هم و غم آنان سرمایه و قدرت است، یکجانشینی و قتل‌عام ایلات و عشایر را نقد کرده‌است. از آنجا که به انتقاد از همه ایدئولوژی‌های موجود پرداخته شده‌است، به‌سختی می‌توان این بخش از رمان را در زیر گفتمان یکه‌ای گنجانند.

## ۲-۱-۷. رویدادهای رمان پس از اشغال ایران از سوی متفقین

### ۱. در بخش دوم رمان، درباره چه ابعادی از واقعیت (سیاسی) برجسته‌سازی صورت گرفته است؟

پایان حکومت رضاشاه، حضور متفقین در ایران، رویدادهای جنگ جهانی دوم، مانند حمله آلمان به شوروی، وضعیت جدید در آغاز دوره پهلوی دوم و تلاش‌های تازه عوامل حکومت برای حفظ و تداوم قدرت نمونه‌هایی از واقعیت‌های برجسته شده است.

پس از پایان حکومت رضاشاه، دامنه انتقاد از او گسترش یافت. حاجی آقا او را «رضاخان» و حکومتش را «دیکتاتوری» می‌نامد (هدایت، ۱۳۳۰: ۶۹) و می‌گوید: «از اربابش دستور می‌گرفت» (همان: ۸۵)؛ یعنی انگلیس که در روی کار آمدن او و دیگر امور کشور دخالت داشت. او ارتش، سرکوب ایلات، سیاست خارجی رضاشاه نسبت به قراردادهای مرزی با سه کشور ترکیه، افغانستان و عراق و نیز نسبت به انگلیس (و مسئله بحرین و قرارداد نفت ۱۳۱۲) را به چالش می‌کشد (ر.ک؛ همان: ۸۷).

جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای متفقین در ایران و نیز تأثیر این رویدادها بر ارزش ارز و کالا برجسته شده است (ر.ک؛ همان: ۸۴). به مهاجرت لهستانی‌های آواره به ایران نیز اشاره شده است (ر.ک؛ همان: ۸۱). ایرانی‌ها امیدوارند که آلمانی‌ها با شکست شوروی و آمدن به ایران، آنان را از دست متفقین برهاند، اما خبرهای خوشی به گوش آنان نمی‌رسد: «روس‌ها جلو آلمان‌ها را گرفتند» (همان: ۸۸).

پس از اشغال ایران، آزادی‌هایی به وجود می‌آید و از «دموکراسی» صحبت می‌شود. حاجی آقا پس از مدتی می‌فهمد که «تغییری در اوضاع پیدا نشده و فقط لغت دموکراسی جانشین لغت دیکتاتوری شده است... همکاران حاجی مطابق دستور، به وسیله آخوندبازی و شیوع خرافات و پخش اسلحه میان ایلات و... در صدد چاره برآمدند» (همان: ۷۱) که «مطابق دستور...» به برنامه‌های دستگاه حاکم، برای حفظ و تداوم قدرت اشاره دارد.

### ۲. در بخش دوم رمان، کدام هویت‌های اجتماعی و سیاسی ساخته شده‌اند؟

در این بخش، هویت‌های گوناگونی به نمایش گذاشته شده است که می‌توان آنان را به سه گروه بخش کرد: گروه نخست، سیاستمداران و صاحبان قدرت هستند که خودشان را با دگرگونی اوضاع کشور، هماهنگ ساخته‌اند و همچنان صاحب قدرت و نفوذ سیاسی و جزو طبقه حاکم هستند؛ مانند حاجی آقا، دوام‌الوزاره و سرتیپ بلندپرواز. گروه دوم، افرادی هستند که در مراتب پایین‌تری قرار دارند و به گونه‌ای پیشکار گروه نخست هستند و با زرنگ‌بازی، رشوه و خدمت‌های گوناگون، منافع خود را تأمین می‌کنند؛ مانند حجت‌الشریعه، مزلقانی، گل و بلبل، آقا کوچک، میخچیان و کرچک‌لو. هیچ یک از این دو

گروه دوستدار قدرت حاکم نیستند، بلکه منافع آنان ایجاب می‌کند که از آن طرفداری کنند. گروه سوم، مخالفان و منتقدان وضع موجود و قدرت حاکم هستند، هرچند دیدگاه‌های آنان متفاوت است. از اینان، خیزران نژاد، طرفدار انقلاب و امیدوار به تغییر است، ولی پسر آقای سیمین‌دوات و منادی‌الحق، یکسره شورش، طغیان و ناامید از بهبود اوضاع و اصلاح کشور در آینده هستند. در ادامه، شخصیت‌های مهم‌تر را معرفی می‌نماییم.

- حاجی‌آقا خودش را با شرایط جدید هماهنگ می‌سازد. او هنوز از شوروی بیزار و هواخواه آلمان و هیتلر است (ر.ک؛ هدایت، ۱۳۳۰: ۸۸-۸۹) و هنوز با نهادهای رسمی رابطه دارد (ر.ک؛ همان: ۱۱۳). او نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی شده است (ر.ک؛ همان: ۷۱). حاجی‌آقا در مجموع، محافظه‌کاری است که همیشه طرفدار جریان‌ها و گفتمان‌های سیاسی غالب بوده است.

- حجت‌الشریعه نماینده روحانیان وابسته به دستگاه حاکم است و مأموریت‌هایی را برای حفظ قدرت آن بر عهده می‌گیرد (ر.ک؛ همان: ۱۲۸-۱۲۹).

- خیزران نژاد «آزادی‌خواه است، در دوره رضاشاه... زندانی بود» (همان: ۱۰۰). او روزنامه‌نگاری منتقد است و از اختلاف طبقاتی و سیاستمداران انتقاد می‌کند و می‌گوید: «من به جز انقلاب چاره دیگری سراغ ندارم» (همان: ۱۰۴-۱۰۶). کاتوزیان می‌نویسد: «خیزران نژاد... تیپ روزنامه‌نگاران و مقاله‌نویسان جوان حزب توده را نمایندگی می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

- منادی‌الحق شاعری حساس و جوان است و به شدت از حاجی‌آقا انتقاد می‌کند و او را محتکر، کلاه‌بردار، دزد، قاچاقچی، پست، حریص، شیاد و... می‌خواند (ر.ک؛ هدایت، ۱۳۳۰: ۱۱۶-۱۱۹). او نمونه هنرمند منتقد، آزاده، آگاه، دلیر و متعهد است و هنرش را نه در جهت خواست قدرت حاکم، بلکه برای نابودی آن به کار می‌گیرد. وی به حاجی‌آقا می‌گوید: «عالی‌ترین شعر در زندگی من، از بین بردن تو و امثال توست» (همان: ۱۱۹). برخی از منتقدان، منادی‌الحق را همان صادق هدایت می‌دانند؛ مانند میرعبدینی (ر.ک؛ میرعبدینی، ۱۳۸۶: ۲۱۴) و فرزانه (ر.ک؛ فرزانه، ۱۹۸۸م: ۱۸۷). کاتوزیان معتقد است: «منادی‌الحق تیپ نویسنده داستان است؛ یعنی یک انتلکتوئل مستقل غیرحزبی که هم پاکباز، منزّه و پاکبخته است، هم نخبه‌گرا، هنرمند و زیبایی‌پرست، و هم دشمن هیئت‌های حاکمه و ارزش‌های سنتی» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

### ۳. رابطه‌های انسانی در بخش دوم رمان چگونه است؟ چه روابط اجتماعی و سیاسی خلق شده‌است؟

حاجی آقا پس از اشغال کشور که هنوز بی‌ثباتی در آن وجود دارد، محتاط است و تنها با افراد خاصی رابطه برقرار می‌کند (ر.ک: هدایت، ۱۳۳۰: ۶۸-۶۹)، ولی پس از اینکه متوجه می‌شود «تغییری در اوضاع پیدا نشده» (همان: ۷۱)، روابط پیشین را با سیاستمداران و نهادهای سیاسی از سر می‌گیرد: «با شهربانی رابطه داشت...» (همان: ۷۰). او سودای نمایندگی مجلس به سرش می‌زند و به همین دلیل، مشغول «ملاقات با روزنامه‌چی و کاسب‌کار و بازاری و آخوندها... بود» (همان: ۷۱). او با هر فرد سودمندی رابطه برقرار می‌کند. می‌خچیان به او وعده گردآوری پنج هزار رأی را می‌دهد! (ر.ک: همان: ۸۷). دوام‌الوزاره به او پیشنهاد می‌کند که در انتخابات با «سلسله‌جنبان» کنار بیاید (ر.ک: همان: ۹۸). در مجموع، روابط و زدوبندهای طبقه حاکم و سیاستمداران، و نیز روابط آنان با روحانیان ادامه یافته‌است. هنگامی که حاجی آقا در بیمارستان است، «عده زیادی از رجال و اعیان و بازاری‌ها... چشم‌به‌راه نتیجه عمل بودند» (همان: ۱۳۳). زبیده، زنش، به او می‌گوید: «آقایان وزرا، و کلا و سفرای مختار تو اتاق انتظارند» (همان: ۱۴۲).

حاجی آقا و قدرت حاکم، مخالفانی نیز دارند: خیزران نژاد خواهان انقلاب است (ر.ک: همان: ۱۰۴-۱۰۷) و منادی‌الحق به شدت از حاجی آقا انتقاد می‌کند (ر.ک: همان: ۱۱۶-۱۱۹).

### ۴. در بخش دوم رمان، رابطه اشیا با انسان و نیز رابطه اشیا با اشیا چگونه است؟

حاجی آقا «درِ اطاقی را باز کرد که تا سقف آن قالی روی هم چیده بودند... سر بخاری کارت‌پستال زن‌های لخت و باسمة عیسی و مریم دیده می‌شد و یک دعای پنج‌تن هم آن بالا به دیوار بود... در محوطه تنگی که میان دو گاوصندوق احداث شده بود» (هدایت، ۱۳۳۰: ۱۲۲).

قالی‌های روی هم چیده و «دو گاوصندوق» نشان‌دهنده ثروت‌اندوزی و احتکار حاجی آقا است. «کارت‌پستال زن‌ها»، «باسمة عیسی و مریم» و «دعای پنج‌تن»، سه شیء با سه ایدئولوژی و فرهنگ متفاوت هستند که اولی با مدرنیته و غرب‌گرایی، دومی با آیین مسیحیت و سومی با مذهب تشیع پیوند دارد. در اینجا، شخصیت ناپایدار و ریاکار حاجی آقا به نمایش گذاشته شده‌است. او «سجل مرده می‌خرید، کوپن قلبی قند و شکر درست می‌کرد» (همان: ۷۰). «سجل مرده» و «کوپن قلبی» نشان‌دهنده سوءاستفاده از نظام اداری و کسب ثروت غیرمجاز است.

### ۵. در بخش دوم رمان، چه کنش‌هایی در برابر مسائل صورت گرفته‌است؟

هنگامی که جناح‌بندی‌ها و اندیشه‌های سیاسی گوناگونی در کشور به وجود آمد و کشور

دچار بی‌ثباتی شد، قدرت حاکم درصدد چاره برآمد و حاجی‌آقا و همکارانش مأمور بازگرداندن مردم به مذهب و سنت، گسترش خرافات، تفرقه‌افکنی، به دست آوردن اکثریت مجلس شدند (ر.ک؛ همان: ۷۱). دستگاه حاکم برای حفظ قدرت، مأموریت‌هایی برای حجت‌الشریعه در نظر گرفته که حاجی‌آقا آن‌ها را برای او شرح می‌دهد: شیوع خرافات و ایجاد بلوا به اسم مذهب تا جلوی جنبش‌های تازه گرفته شود؛ جنبش‌های تازه‌ای که از طرف همسایه شمالی (شوروی) به کشور سرایت کرده‌است: «رواج قمه‌زن، سینه‌زن، بافورخونه، جن‌گیری، روضه‌خوانی، افتتاح تکیه و حسینیه، تشویق آخوند و چاقوکش و نطق و موعظه بر ضد کشف حجاب، تبلیغات علیه شوروی، تکفیر سینما، تئاتر، قاشق و چنگال، هواپیما، اتومبیل و گرامافون [لوازم مدرن‌تیه]، تقبیح بی‌دینی زمان رضاشاه، تشویق مردم به استفاده از چادرنماز و چادر سیاه و عمامه و در صورت لزوم توزیع آن‌ها (همان: ۱۲۸-۱۲۹).

#### ۶. در بخش دوم رمان، سیاست به چه شکل نمود یافته‌است؟ تقسیم‌بندی خیر و شر یا خوب و بد چگونه است؟

دمدمی بودن حاجی‌آقا و همفکرانش به‌گونه‌ای است که نمی‌توان اندیشه‌های سیاسی مشخصی را برای آنان قائل شد. همراهی با قدرت حاکم، اصل اساسی سیاست آنان است. او ابتدا «طرفدار جدی دموکراسی و یکی از آزادی‌خواهان دوآتشه بود... و به سلامتی پیروزی متفقین مشروب می‌نوشید!» (هدایت، ۱۳۳۰: ۶۹)، اما پس از مدتی، آلمان و هیتلر را ستایش می‌کند و آن‌ها را خودی می‌داند و متفقین (روسیه، انگلیس و آمریکا) را شرّ، دشمن و دیگری:

«هیتلر از آن علاقه‌ای که به ایران داره، می‌خواد دشمن‌های ما رو بیرون بکنه... قول می‌دهم تا یکی دو هفته دیگر یک نفر روسی برای نمونه زنده نیست. این هم نتیجه رژیم بلشویک!... همین روزها آلمان‌های خودمان وارد تهران می‌شند» (همان: ۸۸-۸۹).

حاجی‌آقا از یک سو، از رضاشاه انتقاد می‌کند و از سوی دیگر می‌گوید: «باید به مجسمه‌های شاه سابق احترام گذاشت» (همان: ۱۲۳). او مخالف روسیه، بلشویک و حزب توده است: «تشکیل این احزاب و دسته‌هایی که... دم از آزادی و منافع کارگر می‌زنند... خطرناکه» (همان: ۱۲۳). او در اصل، مخالف آزادی، دموکراسی و مشروطه، و طرفدار استبداد است: «بر پدر این مشروطه لعنت!...» (همان: ۶۶). از نظام اداری و زدوبندهای سیاسی نیز نقد شده‌است. در نظام پارلمانی، خیر و سودی مورد انتظار نیست، چون نمایندگان مجلس با زدوبند و دغل‌بازی انتخاب می‌شوند، نه از روی شایستگی (ر.ک؛ همان: ۸۷). نویسنده از دستگاه حاکم، برنامه‌ها و سیاست‌های آن، سیاستمداران، روحانیت، متفقین و اشغالگران،

شوروی و بلشویسم انتقاد کرده، همگی را شر و بد شمرده‌است.

#### ۷. در بخش دوم رمان، چه نظام معرفتی- نشانه‌شناختی وجود دارد؟

در این بخش، صادق هدایت، بسان هنرمندی منتقد و تیزبین به افشای رفتار سیاستمداران و افراد سودجو پرداخته‌است. مشروطه، دموکراسی، آزادی‌خواهی، مدرنیسم، سنت‌گرایی، دین‌گرایی و... همگی اصطلاحاتی هستند که دستگاه حاکم و پیشکارانش برای تحکیم قدرت و به دست آوردن سود و منفعت بیشتر از آن‌ها بهره می‌برند، بدون آنکه کمترین باوری بدان‌ها داشته باشند. نویسنده بی‌آنکه هواخواه ایدئولوژی سیاسی ویژه‌ای باشد، تنها به ستیز، انتقاد و افشاگری علیه آنان می‌پردازد.

#### ۲-۷. تفسیر رمان

گفتمان یا گفتمان‌های رمان با کدام گفتمان یا گفتمان‌های فکری- سیاسی بیرونی در ارتباط است؟ گفتمان‌های خود و دیگری در این رمان کدامند؟

صادق هدایت در رمان *حاجی آقا*، هواخواه گفتمان سیاسی خاصی نیست و گفتمان او، گفتمان انتقاد و خشم است؛ چنان‌که همه گفتمان‌ها را دست‌مایه و بهانه‌ای برای کسب قدرت و سود می‌داند. او با توجه به باز شدن فضای سیاسی و آزادی‌های موجود در دهه بیست، به گونه‌ای آشکار از جامعه، حکومت و هر آنچه نمی‌پسندد، انتقاد می‌کند. هدایت با هوشیاری و زیرکی و نیز با برخورداری از دانش و آگاهی از مسائل روز ایران و جهان، آگاهانه و به‌عمد، زمان داستان را در پایان یک دوره سیاسی و آغاز دوره‌ای دیگر قرار داده‌است تا تناقض موجود در رفتار، گفتار و اندیشه‌های سیاستمداران و صاحبان قدرت را در یک بزنگاه تاریخی خاص به نمایش بگذارد. از میان منتقدان، دیدگاه کاتوزیان با دیدگاه ما هم‌سوئی بیشتری دارد. او می‌نویسد: «نمی‌توان این اثر را... «مترقی و امیدوارانه» دانست و... همه حاکی از خشم و نومیدی است» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۲۳). در واقع، «حاجی آقا... کوششی است از جانب نویسنده‌ای از نظر سیاسی ساده و بی‌غل‌وغش، بدون هیچ ادعایی درباره تعهد ایدئولوژیک یا فعالیت سیاسی» (همان، ۱۳۷۷: ۲۱).

در ادامه، می‌کوشیم نگاه منفی و ستیز و ضدیت هدایت را نسبت به گفتمان‌های سیاسی آن دوره نشان دهیم.

#### ۸. نقد گفتمان پهلویسم، مدرنیسم مطلقه پهلوی یا سلطنت‌طلب

عناصر اساسی گفتمان پهلویسم عبارت بود از: ۱. شوونیسم (ناسیونالیسم ایرانی افراطی)، ۲. شبه مدرنیسم (غرب‌گرایی) یا به تعبیر کاتوزیان، مدرنیسم کاذب (Pseudo-Modernism)، ۳. سکولاریسم (عرفی‌گرایی) (تاجیک، ۱۳۷۷: ۸۴-۸۵). اینک به نقدهای هدایت بر این چند عنصر یا خرده‌گفتمان‌ها می‌پردازیم.

### ۱.۸. نقد ناسیونالیسم

هدایت در برخی از آثار نخست خود گرایش‌های تند «ناسیونالیستی» داشت؛ مانند «سایه مغول»، «آخرین لبخند» و غیره. برخی از ویژگی‌های ناسیونالیستی نیز در نوشته‌های بعدی هدایت به چشم می‌خورد؛ مانند «عرب‌ستیزی»، «اسلام‌ستیزی» و... که در *حاجی‌آقا* نیز نشانه‌هایی از آن وجود دارد. نمونه‌ای از عرب‌ستیزی: «حاجی‌آقا از طریق رادیو «موسیقی عربی را می‌گرفت» و به نعره‌هایی که مثل صدای شتر فحل از توی رادیو درمی‌آمد...» (هدایت، ۱۳۳۰: ۶۱). عرب‌ستیزی در این گفته حاجی‌آقا نیز دیده می‌شود: «همه این عرب‌ها و نصرانی‌ها... همه آن‌هایی که باباشان را نمی‌شناسند، به من حسد می‌برند... اگر یک شوfer عرب اطلاعاتش بیشتر از دکترهای اقتصاد ماست، پس بروید در مدرسه‌هایتان را ببندید» (همان: ۳۸۳۷). با وجود این، *رمان حاجی‌آقا* را نمی‌توان اثری ناسیونالیستی دانست؛ چنان‌که حتی ضد ناسیونالیسم نیز می‌باشد؛ زیرا از زبان شخصیت‌ها به انتقاد از سرزمین، نژاد، زبان، سنت‌ها و عادت‌های ایرانیان پرداخته شده است؛ مثلاً پسر آقای سیمین دوات می‌گوید: «این سرزمین روی نقشه جغرافی لکه حیض است... مردمش همه وافوری، تراخمی... فساد نژاد ما از بچه و پیر و جوانش پیدا است... اینجا وطن دزدها و قاچاق‌ها و زندان مردمانش است» (همان: ۹۵-۹۶).

در دوره رضاشاه، سازمان‌هایی مانند «پرورش افکار» و «فرهنگستان» با اهداف ملی‌گرایانه ایجاد شد. هدایت این دو نهاد را تمسخر می‌کند (ر.ک: همان: ۵۱). حاجی‌آقا می‌گوید: «اگرچه خودم عضو فرهنگستانم، اما زبانم بر نمی‌گردد این لغت‌ها را بگم و معنی‌اش را هم نمی‌دانم. ما بودیم و یک زبان. آن را هم سیاست خراب کرد» (همان: ۱۱۰). در بخشی از *رمان* که هیتلر (به گفته حاجی‌آقا) روی قوطی‌های سیرابی و جگرک نوشته بود: «پاینده ایران! چو ایران نباشه تن من مباد! این هدیه ناقابل را به ایرانیان عزیزم تقدیم می‌کنم» (همان: ۸۸)، اندیشه‌های ناسیونالیستی ریشخند شده است.

### ۲.۸. نقد مدرنیسم

«بسیاری از اقدامات و اصلاحات رضاشاه در راستای تجددطلبی صورت می‌گرفت... توسعه راه‌های ارتباطی، اسکان عشایر، نوسازی و تجهیز ارتش، ایجاد بوروکراسی... کشف حجاب، یکدست کردن لباس...» (بیگدلو و اکبری، ۱۳۸۹: ۳۹).

### ۱.۲.۸. نقد توسعه راه‌های ارتباطی

حاجی‌آقا می‌گوید: «مگر راه آهن را برای من و شما کشید؟ با پول مردم کشید. اما دستورش را از اربابش گرفته بود. مگر نتیجه‌اش را نمی‌بینید؟!» (هدایت، ۱۳۳۰: ۸۶). این جمله به استفاده متفقین از راه آهن ایران اشاره دارد.

### ۲-۲-۸. نقد اسکان عشایر

حاجی آقا می‌گوید: «باید نسل همه ایلات و عشایر را از میان برداشت تا بتوانیم نفس راحت بکشیم» (همان: ۳۶). این سخن بدین دلیل گفته شده که هدایت با این اقدام موافق نیست.

### ۳-۲-۸. نقد نوسازی ارتش

حاجی آقا همسو با هدایت می‌گوید: «ما نظام نداشتیم، ادای قشون را درآورده بودیم... افسرهاش سه‌شب سه‌شب گشنگی می‌خوردند!» (همان: ۸۷).

### ۴-۲-۸. نقد بوروکراسی

حاجی آقا موافق با هدایت می‌گوید: «عدلیه... نظمی... همه‌اش دزدی و رشوه‌خوری و حقه‌بازیست» (همان: ۲۶).

### ۵-۲-۸. نقد کشف حجاب

حاجی آقا به بهایی‌ها می‌گوید: «حالا دیگر زن‌ها چادر هم نمی‌خواهند سرشان بکنند» (همان: ۶۵)، ولی پس از رضاشاه، به حجت‌الشریعه می‌گوید: «چادرنماز و چادر سیاه و عمامه را بین مردم تشویق و در صورت لزوم توزیع بکنید» (همان: ۱۲۹).

### ۶-۲-۸. نقد یا تمسخر یکدست کردن لباس

حاجی آقا می‌گوید: «من از همه تحصیل کرده‌ها متجددتر و مترقی‌ترم. اول کسی که کلاه پهلوی سرش گذاشت، من بودم» (همان: ۶۴).

### ۳-۸. نقد غرب‌گرایی

در این رمان، هم از غرب‌زدگی و فرنگی‌مآبی ایرانیان، و هم از مداخله کشورهای غربی در امور ایران و وابستگی کشور به آن‌ها انتقاد شده‌است.

### ۱-۳-۸. نقد فرنگی‌مآبی

دوام‌الوزاره می‌گوید: «این جوانان چشم و گوش بسته می‌روند به خارجه و فقط ظواهر آنجا این‌ها را می‌فریبند» (هدایت، ۱۳۳۰: ۹۵). آقا کوچک و پسر آقای سیمین دوات نمونه افراد غرب‌زده هستند که اولی رفتار غربی‌ها را تقلید می‌کند (ر.ک: همان: ۵۴ - ۹۵) و دومی به نقد همه‌جانبه ایران و ایرانیان می‌پردازد (ر.ک: همان: ۹۵-۹۶).

### ۲-۳-۸. نقد دخالت‌های کشورهای غربی

انگلیس که در این رمان، ارباب رضاشاه نامیده شده‌است، در روی کار آمدن و برکناری او دخالت داشت و قرارداد نفت ۱۳۱۲ را به او تحمیل کرد: «خودش هم آلت بود... از اربابش دستور می‌گرفت» (هدایت، ۱۳۳۰: ۸۵). حاجی آقا می‌گوید: «بگذارید هیتلر با نظم نوینش دنیا را تمشیت بده. اقلماً آقای ما عوض میشه!» (همان: ۴۱)؛ یعنی تاکنون انگلیس آقا و ارباب ایران و رضاشاه بوده‌است، ولی اگر هیتلر روسیه را شکست بدهد، او و آلمان سرور ایران می‌شوند. حاجی آقا می‌گوید: «همیشه در این آب و خاک دزدها و قاچاقچی‌ها همه‌کاره



بوده‌اند، چون که مقامات صلاحیت‌دار خارجی این طور صلاح دیده‌اند» (همان: ۱۲۶).

### ۳-۳-۸. نقد سکولاریسم یا عرفی‌گرایی

به عنوان نمونه، رضاشاه برای غیردینی ساختن جامعه، «از صدور روایید به کسانی که خواهان زیارت مکه، مدینه، نجف و کربلا بودند، جلوگیری کرد» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۷۵). در این رمان، یوزباشی حسین می‌خواهد به کربلا برود که برای گرفتن گذرنامه و روایید، رشوه داده، ولی موفق به دریافت آن‌ها نشده‌است! سرانجام، نزد حاجی‌آقا می‌رود (ر.ک: هدایت، ۱۳۳۰: ۲۸). حاجی‌آقا می‌گوید: «کدام زیارت؟ به این آسانی... اجازه نمی‌دهند!» (همان: ۱۶).

### ۴-۳-۸. نقد سنت‌گرایی، اسلام‌گرایی و دین‌گرایی

انتقادهای هدایت از سنت متوجه سه مورد است: سنت ادبی، مذهب و مضامین سنتی [خرافه‌ها و آداب و رسوم] (ر.ک: بهزادی کندازی، ۱۳۹۰: ۹۷-۹۹) که در رمان حاجی‌آقا نیز دیده می‌شوند. در نقد سنت ادبی می‌توان به تمسخر واژه‌های ساخت فرهنگستان و نوشته‌های آن روی جلد و پایان رمان اشاره کرد. از مذهب، خرافه‌ها و سنت‌های جامعه نیز به صورت هم‌زمان انتقاد شده‌است. حاجی‌آقا به حجت‌الشریعه می‌گوید: «به وسیله شیوع خرافات و تولید بلوا به اسم مذهب می‌توانیم جلوی این جنبش‌های تازه را... بگیریم... پس وظیفه شما رواج قمه‌زن، سینه‌زن،... افتتاح تکیه و حسینیه... و موعظه بر ضد کشف حجاب، باید همیشه این ملت را به قهقرا برگردانید و متوجه عادات و رسوم دو-سه هزار سال پیش کرد» (هدایت، ۱۳۳۰: ۱۲۸-۱۲۹). کاتوزیان معتقد است که هدف این برنامه، «تحکیم سلطه و قدرت هیئت حاکمه است، نه ترویج تقوا و پرهیزگاری» (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۲۲۱). هدایت ادیان را راهی برای کسب منافع می‌داند. انتقاد از روحانیت و شخصیت‌های مذهبی، مانند حجت‌الشریعه و حاجی‌آقا، در پیوند با دین‌ستیزی است.

### ۵-۳-۸. نقد چپ‌گرایی یا گفتمان چپ (سوسیالیسم، مارکسیسم و کمونیسم)

حاجی‌آقا مانند حکومت از کمونیسم بیزار است (ر.ک: هدایت، ۱۳۳۰: ۴۱-۴۲). او می‌گوید: «تشکیل این احزاب و دسته‌هایی که راه افتاده و دم از آزادی و منافع کارگر می‌زنند... خطرناکه» (همان: ۱۲۳). حاجی‌آقا برای حفظ سرمایه، و حکومت برای حفظ قدرت، هر دو از کمونیسم در هراس هستند. به هر روی، وجود چنین گفته‌هایی موجب شده که طرفداران حزب توده و برخی منتقدان، مانند مصباحی‌پور ایرانیان (ر.ک: مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۱۲۹-۱۳۰)، رمان حاجی‌آقا را متأثر از گفتمان حزب توده بدانند. اما باید توجه داشت که در این رمان، گفتمان چپ مورد انتقاد و سخره قرار می‌گیرد؛ مثلاً حاجی‌آقا می‌گوید: «همه‌اش می‌گند: کارگر و این بیچاره‌ها را به کشتن میدند!... آن قدر که من با آن‌ها خوش‌سلوکی

می‌کنم... استالین با کارگراهاش نمی‌کنه... حالا من بلشویکم، یا آن‌هایی که دم از منافع رنجبر می‌زنند؟» (هدایت، ۱۳۳۰: ۱۰۱-۱۰۲). یا اینکه از زبان پسر آقای سیمین‌دوات، توده مردم ایران سرزنش می‌شوند: «مردمش همه وافوری، تراخمی، از خودراضی، قضا و قدری...» (همان: ۹۶). میلانی معتقد است:

«توده‌ها یا درگیر شهوات جسمانی‌اند، یا غرق در قطعیت‌های خرافی... رابطه هدایت با این توده دوگانه است. از سویی، به آنان دل‌بستگی دارد و از سویی دیگر، به چشم تحقیرشان می‌نگرد. این تحقیر را حتی در آثاری چون *حاجی آقا*، *علویه خانم* و *توپ مرواری* که منتقدان مارکسیست جزو «نوشته‌های مترقی» هدایت می‌دانند، مشاهده می‌توان کرد» (میلانی، ۱۳۷۱: ۵۵۸).

هرچند دوستان هدایت عضو حزب توده بودند، او به هیچ حزبی نیوست. در واقع، طرفداران حزب توده ایران امیدوارند هدایت را همراه خود ببینند و او آثاری امیدبخش مبتنی بر ایدئولوژی چپ بنویسد. اما هدایت سیر و سلوک هنرمندانه را بر وابستگی مرامی ترجیح می‌دهد» (میرعابدینی، ۱۳۹۲: ۵۵۳). کاتوزیان می‌نویسد: «*حاجی آقا* در همان زمان تألیفش به عنوان یک اثر بزرگ و نقد بورژوازی ایران با تحسین روبه‌رو شد. اما در واقع، نه اثر بزرگی است و نه نقد بورژوازی ایران» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۲۲-۲۲۳).

#### ۳-۸-۶. نقد لیبرالیسم، آزادی‌خواهی، مشروطه و دموکراسی

حاجی آقا از سویی، خودش را از طرفداران مشروطه می‌داند: «وقتی که مجلس را به توپ بستند... یکی از سرجناب‌های انقلاب بودم» (هدایت، ۱۳۳۰: ۶۵). از سوی دیگر نیز می‌گوید: «مشروطه... آزادی... برای اینه که بهتر بشه دزدیدا!» (همان: ۱۷)، «بعد از پیشامد شهریور، حاجی آقا طرفدار جدی دموکراسی و یکی از آزادی‌خواهان دوآتشه و مخالف دیکتاتوری رضاخانی شده بود» (همان: ۶۹)، اما پس از مدتی، «فهمید... فقط لغت دموکراسی جانشین لغت دیکتاتوری شده‌است» (همان: ۷۱). زدوبند برای کسب رأی در انتخابات مجلس و پایین آوردن سن حاجی آقا برای اینکه بتواند در انتخابات شرکت کند (ر.ک: همان: ۷۱-۷۲) و قانون‌شکنی‌های دیگر، نمونه‌هایی از انتقاد نویسنده به دموکراسی است.

#### ۹. نتیجه

رمان *حاجی آقا* نقدی بر رفتار صاحبان قدرت و سیاستمداران فاسد و نیز روابط و زدوبندهای آنان است که برای به دست آوردن پُست، مقام و سرمایه، تمام خصلت‌های انسانی را زیر پا می‌گذارند و برای تحکیم قدرت خود، هر بار از یک ایدئولوژی بهره می‌برند. از سوی دیگر، از قدرت‌های خارجی (اعم از متفقین و متحدین)، مردم ایران، ادبا، روزنامه‌نگاران و دیگران، با گرایش‌های گوناگون انتقاد شده‌است. این رمان را می‌توان از

نظر سیاسی، اثری فراگفتمانی یا غیرگفتمانی دانست. نویسنده همه گفتمان‌های سیاسی آن دوران را به نقد کشیده است. همه گفتمان‌ها برای دستیابی به سود و منفعت فردی و گروهی ساخته شده‌اند، نه برای منافع همگانی. نویسنده رمان به هیچ گونه ایدئولوژی پایبند نیست و همه آن‌ها را نقد کرده‌است. در واقع، این رمان، اثری غیرایدئولوژیک است که به نقد همه ایدئولوژی‌ها می‌پردازد. تمام ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌ها مانند حکومت پادشاهی، ناسیونالیسم، فاشیسم، مدرنیسم، غرب‌گرایی، سکولاریسم، سنت‌گرایی و دین‌گرایی، چپ‌گرایی (مارکسیسم و کمونیسم)، لیبرالیسم، دموکراسی، مشروطه‌خواهی و غیره در خدمت منافع صاحبان و مبلغان آن‌ها هستند. احاطه و دانش فراوان و نیز نقد نویسنده نسبت به رویدادها، اندیشه‌ها و جریان‌های سیاسی گذشته و اکنون کشور و جهان، و عنایت به این مسئله که فاصله زمانی چندانی بین تاریخ نگارش رمان (۱۳۲۴) و بافت تاریخی آن در جهان واقعیت (اواخر حکومت رضاشاه و اوایل حکومت محمدرضاشاه) وجود ندارد، به‌راستی مایه شگفتی است. هدایت مخالف قدرت حاکم و وضع موجود و خواستار دگرگونی است. او زمانی این رمان را می‌نگارد که عمری بر او گذشته‌است و دگرگونی‌های تاریخی و سیاسی فراوانی را از دوره مشروطه تا روی کار آمدن رضاشاه و محمدرضاشاه به تجربه از سر گذشته‌است و رنگارنگی و گونه‌گونی سیاستمداران، حاکمان و سودجویان را دیده‌است و همه آن‌ها را با طنزی خشنماک درآمیخته، در نتیجه، رمانی سیاسی پدید آورده که حتی ساختار آن نیز طنزی نسبت به گونه رمان است. شاید بتوان گفت علم، دانش، هنر، انسانیت و کوشش دلسوزانه برای بهبود اوضاع کشور، از جمله معدود موارد ستودنی در این رمان است.

### منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، ج ۱، تهران، نی.
- بهزادی کندازی، محمود (۱۳۹۰)، *تحلیل آثار صادق هدایت در پرتو نظریه انتقادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، به راهنمایی امید همدانی، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- بهیان، شاپور (۱۳۸۸)، «حاجی‌آقا، برساخته‌ای گفتمانی یا نمونه نوعی بورژوازی ملی»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، س ۱، ش ۲، صص ۳۷-۶۷.
- بیگدلو، رضا و محمدعلی اکبری (۱۳۸۹)، «تبارشناسی جریان‌های فرهنگی در ایران معاصر»، *تاریخ ایران*، ش ۶۷/۵، صص ۱۷-۵۵.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «غیریت و هویت شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران»، *پژوهشنامه متین*، ش ۱، صص ۸۳-۱۰۶.

فرزانه، م. ف. (مصطفی)، (۱۹۸۸ م.)، *آشنایی با صادق هدایت*، ج ۲، پاریس، بی‌نا.  
فرکلاف، نورمن (۱۳۸۹)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ویراسته محمد نبوی و مهران مهاجر، ترجمه گروه مترجمان، چ ۳، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.  
فوران، جان (۱۳۹۲)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹ شمسی تا انقلاب*، ترجمه احمد تدین، چ ۱۴، تهران، رسا.  
کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۷)، *صادق هدایت از افسانه تا واقعیت*، ترجمه فیروزه مهاجر، ویراسته عباس مخبر، چ ۲، تهران، طرح نو.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)، *طنر و طنزینة هدایت*، ویراسته وحید طلوعی، ویرایش دوم، تورنتو،

کتاب ایران نامگ.

گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *بازتاب سیاست در ادبیات داستانی ایران از ۱۳۷۶ تا پایان آبان ماه ۱۳۸۳*، چ ۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.  
مصباحی پور ایرانیان، جمشید (۱۳۵۸)، *واقعیت اجتماعی و جهان داستان: جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، چ ۱، تهران، امیرکبیر.

مهرآیین، مصطفی (۱۳۹۶)، *درس‌گفتار تحلیل گفتمان (هنر)*، تهران، موزه ملک.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، *درس‌گفتار نظریه و روش تحلیل گفتمان*، تهران، مؤسسه رخداد تازه.  
میرعابدینی، حسن (۱۳۹۲)، *تاریخ ادبیات داستانی ایران*، چ ۱، تهران، سخن.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، *صد سال داستان‌نویسی ایران*، ویرایش دوم، مجلد اول (جلد اول و دوم)، چ ۴، تهران، چشمه.

میلانی، عباس (۱۳۷۱)، «هدایت و جهان‌بینی تراژیک»، *ایران‌شناسی*، ش ۱۵، صص ۵۶۳-۵۵۴.  
هادوی، محدثه و علی تسلیمی (۱۳۹۱)، «تحلیل داستان حاجی آقای صادق هدایت بر اساس نظریه بازتاب واقعیت». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*، س ۴، ش ۱، صص ۷۲-۵۳.  
هدایت، صادق (۱۳۳۰)، *حاجی آقا*، چ ۲، تهران، امیرکبیر.  
یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۱)، *درآمدی به گفتمان‌شناسی*، چ ۱، تهران، هرمس.  
یورگسن، ماریانه و لوئیز فیلیپس (۱۳۹۲)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، چ ۳، تهران، نی.

Gee, James Paul (2011), *An Introduction to Discourse Analysis: Theory and Method*, 3<sup>rd</sup> Ed. London and New York: Routledge.